



کیت رانسوم- کهلر



کیت با ذکرالله خادم و سلیم نونو

کیث رانسوم-کهلر

اولین شهید جامعه بهائی آمریکا

مینودخت فوادی

کیث رانسوم-کهلر Keith Ransom-Kehler یکی از زنان برجسته بهائی دوره ولایت است که خدماتش در آمریکا، کانادا، خاور دور، هندوستان و ایران اثرات مهمی برجای گذاشته. این خانم که پس از صعودش در اصفهان به مقام ایادی امرالله و اولین شهید جامعه آمریکا ارتقاء یافت، مهم‌ترین مأموریت خود را در ایام اخیر حیاتش بر عهده گرفت و در همان راه جان خود را فدا نمود. حضرت ولی امرالله در تلگرافی به محفل روحانی طهران می‌فرماید:

«حیات گرانبهای کیث در موطن اصلی حضرت بهاءالله در سبیل جانفشانی در راه محبوب فدا گردید. مشار الیها در خاک ایران و به خاطر ایران با نهایت شهامت و عزمی راسخ و فداکاری و صداقتی تزلزل ناپذیر با قوای ظلمت به مقابله و مبارزه پرداخت. عموماً خواهران و برادران بی‌پناه او در ایران از فقدان دلیر آزادی بخش خویش سوگوارند. یاران آمریکا مفتخر و مباهی‌اند که خاطره اولین شهید ممتازشان را در جمع خود زنده و جاوید نگاه می‌دارند. این عبد بر اثر جدائی عنصری این همکار ارجمند و مشاور صدیق و یار باوفا غرق دریای غم و حسرت. به محافل محلیه مربوطه تأکید می‌کنم مجالس تذکر شایسته‌ای به یادبود کسی که خدمات بین‌المللی‌اش او را به مقام ممتازی در بین ایادی امر حضرت بهاءالله ارتقاء داده است برپا نمایند.» (ترجمه) (۱)

زندگانی شخصی و خانوادگی

نانی کیث بین Nanni Keith Bean که بعدها نام خانوادگی مادر را که "کیث" بود اختیار کرد در ۱۴ فوریه ۱۸۷۶ در دیتون کنتاکی Dayton, Kentucky به دنیا آمد. پدر کیث ویلیام ورث بین William Worth Bean که به کلنل بین Colonel Bean مشهور بود. (کلنل لقبی بود که بازمانندگان افسرانی که در جنگ‌های داخلی آمریکا خدمت کرده بودند از آن استفاده می‌کردند). مادر کیث، جولیا بل کیث Julia Belle Keith و برادرش ویلیام ورث بین جونور William

Worth Bean, Jr بودند. دیتون محلّ زندگی خانواده بین، نزدیک سینسیناتی Cincinnati و تنها فاصله اش عرض رودخانه اوهایو Ohio River بود. کلنل بین یکی از پیشقدمان صنعت و از افراد برجسته جامعه آمریکا به شمار می رفت و مؤسس اقدامات عام المنفعه ای مانند: ایجاد خطّ راه آهن شهری که با اسب حرکت می کرد (۱۸۸۰-۱۸۸۹) و بعدها در ۱۸۸۹ با پدر همسرش و گروهی از روشنفکران و بشر دوستان دیگر سیستم خطّ اتوبوس شهری (Streetcar) را در شهر سنت جوزف - بنتون Saint Joseph-Benton Harbour که در جنوب غربی میشیگان بود خریداری نموده و به کار انداخت. ده سال پس از کشف لامپ الکتریکی ویلیام بین شرکتی برای رساندن برق مورد نیاز دو شهر دیتون و سینسیناتی را ترتیب داد. با این اقدامات تازه و سودمند، ویلیام بین فردی کار آفرین و مفید شناخته شده بود.

کیث تحصیلات ابتدائی را در مدارس دخترانه در سینسیناتی به اتمام رسانید و تحصیلات دانشگاهی را ابتدا در واسر کالج Vassar College در شهر پوکپسی Poughkeepsie نیویورک که یکی از کالج های معتبر برای تحصیلات عالیّه خانم ها بود انجام داد و در ۱۸۹۸ به دریافت لیسانس در رشته روان شناسی کودک نائل گردید. در ۱۹۰۱ درس ۲۵ سالگی با هنرمندی بنام رالف رانسوم Ralph Ransom نقّاش جوانی که رشته هنر را در انستیتوت هنر شیکاگو The Art Institute of Chicago همراه با نقّاشان مشهور و با نفوذ آمریکا فرا گرفته بود ازدواج کرد و در ۱۹۰۶ مدّتی را در پاریس که رالف و دوستان هنرمند او در آکادمی دلکوز پاریس Academie Delecluse, Paris تحصیل می کردند، گذراند.

ازدواج مانعی برای ادامه احراز درجات علمی این خانم نشد و در سال های ۱۹۰۳-۱۹۱۰ کیث در دانشکده های آلبیون Albion college در میشیگان، دانشگاه میشیگان، دانشگاه آریزونا و دانشگاه شیکاگو به تحصیلات خود ادامه داد و به اخذ درجه فوق لیسانس از آلبیون کالج نائل گردید و مدّتی را نیز در همان کالج ادبیات انگلیسی تدریس می نمود.

در ۱۹۰۷ کیث دارای دختری بنام Julia Keith Ransom شد و برای این که به کار تحصیل و تدریس خود ادامه دهد مادر شوهرش، مری رانسوم Mary Ransom، مدّتی در نگاهداری این طفل به ایشان کمک می کرد. در ۱۹۰۸ رالف رانسوم به سبب بیماری سل در سنین جوانی فوت کرد. کیث علیرغم اندوه عمیق از دست دادن رالف، به کار تحصیل و تدریس خود ادامه داد و در ۱۹۱۰ با فردی به نام جیمز هاوارد کهلر James Howard Kehler ازدواج کرد و نام خانوادگی

خود را به Keith Ransom-Kehler تغییر داد. جیمز کهلریکی از افراد موفق و پیشرو در کار انتشار اعلانات بود و دفتر کارش در خیابان مشهور میشگان در شیکاگو قرار داشت. کیث و جیمز در زمره طبقه بانفوذ و موفق شیکاگو شناخته شده و با افراد سرشناس و مورد احترام رفت و آمد داشتند مانند آرشیتکت مشهور فرانک لوید رایث Frank Lloyd Wright، کاترین رایث Katharine Wright، خواهر برادران رایث مخترع هواپیما و فردی مؤثر در امور اجتماعی و از طرفداران تساوی زنان و جین آدامس Jane Addams بانی گروه بین‌المللی زنان طرفدار صلح و آزادی به نام هال هاوس Hull House و برنده جایزه نوبل صلح. کیث خود نیز عضویت این مؤسسه را دارا بود.

این خانم با داشتن درجات عالی علمی و استقلال روحی و فکری اوقات خود را بهبوده نمی‌گذراند، علاوه به تدریس در کالج آلبیون و عضویت و خدمت در مجامع گوناگونی مانند هال هاوس و گروه "دختران انقلاب آمریکا" (۱۹۱۴) و غیره به کارهای تازه دست می‌زد، از جمله تأسیس و اداره مغازه فروش اجناس عتیقه، چای‌خانه یا Tea Room و مدتی نیز مزرعه‌ای برای پرورش مرغ و میوه ایجاد نمود. سپس با دیدن دوره طراحی داخلی در فروشگاه بزرگ شیکاگو به نام کارسن پیری سکاٹ Carson Piri Scott به سمت رئیس مشاورین طراحی و تزئینات داخلی انتخاب شد. کیث در سال‌های ۱۹۱۸ - ۱۹۲۲ سمت رهبری (کشیش) جمعیت دوستداران آزادی ادیان [موحدین] را به عهده داشت. در این دوران کیث و شوهرش اوقات خود را بین شیکاگو و نیویورک که جیمز کهلر دفتر کارش را در خیابان پنجم آن Fifth Avenue باز کرده بود (۱۹۱۵)، می‌گذرانیدند. پس از دو سال منزل خود را در شمال شیکاگو (Deer Lick Farm) که با زندگی پر مشغله آنان مناسب نبود ترک کرده و از آن به بعد آپارتمان و هتل را برای زندگی انتخاب کردند. حتی در نیویورک هریک دارای آپارتمان جداگانه‌ای بودند ولی در عشق و علاقه شدید این زوج به یکدیگر شبهه‌ای نبود. متأسفانه تنها فرزندشان پیش از تولد فوت کرده بود ولی جیمز از ازدواج قبلی دو پسر به نام استوارت Stewart و گوردن Gordon و یک دختر به نام الیزابت Elizabeth داشت.

در ۱۹۲۲ جیمز کهلر بیمار شد و کیث از آن به بعد تمام اوقات خود را وقف پرستاری شوهر نمود. متأسفانه در ماه ژوئیه ۱۹۲۳ آقای کهلر که تاحدی سلامتی خود را باز یافته بود ناگهان به سبب سکته قلبی در سن ۴۷ سالگی فوت کرد و مرگش برای کیث که برای بار دوم بیوه می‌شد

بسیار دردناک و تحمّل ناپذیر بود به حدّی که در ۱۹۲۵ ناگزیر برای درمان و استراحت به لوئیزیانا رفت. پس از بهبودی کیت تصمیم گرفت که از آن به بعد بیشتر اوقات خود را در سفر بگذراند لذا واسر کلاب Vassar Club را به عنوان آدرس دائمی خود نگاه داشته و با درآمد ناچیزی که داشت توانست مابقی عمر را در مسافرت‌های گوناگون بسر برد. در این سفرها کیت درباره مسائل مانند روانشناسی کودک، فلسفه، نقش زنان در دنیای متجدّد، طراحی و تزئین داخلی، مقایسه ادیان و درباره دیانت بهائی سخنرانی می‌کرد. (۲)

ایمان به دیانت بهائی

در مورد این که چرا و چگونه کیت به امر بهائی ایمان آورده مدرکی در دست نیست. این خانم حضرت عبدالبهاء را در سپتامبر ۱۹۱۱ در لندن ملاقات کرده و ۲۰ سال بعد در خاطرات خود به آن اشاره می‌کند. ممکن است در دورانی که با شوهرش در پاریس بود از دوستش، می ماکسول May Maxwell نیز درباره دیانت بهائی شنیده باشد. در می ۱۹۲۱ کیت در شهر شیکاگو به دیانت بهائی ایمان آورد. بزودی کیت به عنوان سخنران و نویسنده‌ای توانا و ماهر در مدیریت در جامعه بهائی مشهور گردید و در محفل روحانی شیکاگو سمت منشی را به عهده گرفت. در تابستان ۱۹۲۵ زمانی که کیت برای استراحت و درمان در لوئیزیانا بسر می‌برد به خواهش محفل روحانی ملی آمریکا ریاست یک نشست از جلسات کنگره بهائی را که همزمان با کانونشن ملی آمریکا در گرین آکر Green Acre, Elliot, Main برگزار شده بود به عهده گرفت. موضوع این نشست بحث درباره شالوده اقتصادی برادری و اخوت در دنیا بود. (۳)

کلاس‌های تبلیغی

در سال ۱۹۲۵ کیت در شهر مونترآل Montreal کانادا در یک سری سخنرانی درباره مسائلی مانند شالوده اقتصادی وحدت عالم انسانی و مواضعی که اهمیت و ارزش اصول دیانت بهائی را در استقرار صلح و نجات و رستگاری بشر تأکید می‌نمود شرکت جست. در درهام Durham نورت کارولینا North Carolina نیز سخنرانی جالب و مؤثری در انجمن ملی آموزگاران سیاه پوست ایراد کرد. در سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۹ در هارلم Harlem ناحیه ویژه سیاهان نیویورک در جلسات

تبلیغی بین نژادها (Interracial Fireside) که در آن تعالیم بهائی مانند "رفع تعصبات نژادی، دینی و طبقاتی" بحث می‌شد، یکی از سخنرانان اصلی بود و در مباحث و پاسخ به سئوالاتی درباره دیانت بهائی به اداره کنندگان آن جلسات کمک می‌کرد.

کیث رانسوم-کهلر کلاس‌های متعددی درباره دیانت بهائی تشکیل داد که در این کلاس‌ها اصول دیانت بهائی با برنامه دقیق و منظمی تدریس می‌شد. سخنرانان زبردست از گروه‌ها و انجمن‌های گوناگون مانند "انجمن آزادی" و امثال آن نیز با علاقه برای بحث و سخنرانی شرکت می‌کردند. به دعوت کیث، خانم Orcella Rexford یک دوره سخنرانی درباره جریانات روز ارائه نمود. این سخنرانی‌ها و کلاس‌ها با موفقیت روبرو گردید و با کمک محفل روحانی نیز یک دوره کنفرانس‌هایی برای بحث درباره وحدت عالم انسانی دائر نمود. (۴)

خصوصیات شخصی

کیث رانسوم-کهلر یکی از بهترین سخنرانان دوره خود شناخته می‌شد و در سخنرانی مطالب را با ترتیب و تنظیم خردمندانه و با دلایل متین ارائه می‌نمود. او دارای قلمی توانا و زیبا بود و نوشتجاتش در نشریات بهائی به چاپ می‌رسید. به دستور حضرت شوقی ربّانی مقالاتی درباره مؤسّسات و تشکیلات بهائی نوشت که در نجم باختر به چاپ رسید. کیث یکی از مدافعان دیانت بهائی و از طرفداران سرسخت پیشرفت و آزادی زنان بود. به تأثیرات ادعیه و مناجات در ترقی روح اعتماد داشت و می‌گفت در اوقات تلاوت مناجات احساس می‌کند که در عوالم بالا به آن توجه می‌شود. عشق به شعر داشت و اشعار زیادی را به خاطر می‌سپرد و در نامه‌هایش تراوشات روح شاعرانه او به خوبی دیده می‌شود. از حسن سلیقه برخوردار بود و به زیبایی علاقه شدید داشت. آداب و رسوم کشورهای گوناگونی را که در سفرهای خود با آنها آشنا می‌شد، برایش بسیار جالب بود، بویژه شیفته هنر و تمدن ژاپن شده بود و نامه‌های او از ژاپن بیشتر حاوی شرح زیبایی مناظر طبیعی و معابد مجلّل و با شکوه آن کشور است. در سفرش به نیوزیلند از اهالی بومی یعنی مائوری‌ها Maori صحبت می‌کند که ملّتی شاعر و هنرمند هستند که به هر چیزی که دست می‌زنند آن را زیبا می‌سازند. حسن سلیقه و زیبا شناسی این خانم در ظاهر او و نوع لباس و آرایش و جواهراتی که استفاده می‌کرد نیز دیده می‌شد. حتی در سفرهای دریائی آسیای شرقی در

کشتی‌های کوچک و بسیار ناراحت، با این که کیث تنها مسافر آن کشتی بود باز هر شب در وقت شام با لباس و ظاهری مرتب و آراسته سر میز حاضر می‌شد. گفته‌اند که کیث به یکی از دوستانش اظهار داشته که حتی اگر فردا او را به قصر پادشاه و ملکه انگلیس دعوت کنند البسه و جواهرات متناسب برای این مراسم همراه دارد. چمدان‌های متعدد سفر این خانم حتی در مسافرت‌های دور و دریائی فراموش نشدنی است. رفتار متین و با وقار این خانم با ظاهری زیبا و به غایت آراسته، نطق و بیان فصیح، کیث را مبلغی یگانه و سفیری بی‌مانند نشان می‌دهد. حضرت ولیّ امرالله به کیث لقب "مبلغه عظیم بین‌المللی" عنایت فرمودند. (۵)

این خانم علیرغم مشغله زیاد خاطرات روزانه خود را با دقت و انشائی جذاب به تفصیل یادداشت می‌کرد که برخی از آن یادداشت‌ها به چاپ رسیده است (۶). فردی فوق‌العاده باهوش و مزاح بود و اغلب سعی می‌کرد آنچه را به فکرش می‌رسید به شنوندگان نگوید ولی آنها را در خاطرات خود آورده است. گزارش ملاقات‌ها و خدمات خود را با دقت تهیه و به حضور مولای محبوب و محفل روحانی آمریکا و کانادا می‌فرستاد. (۷)

مسافرت‌های تشویقی و تبلیغی

در ۱۹۲۶ کیث به زیارت مولای محبوب رسید و با چشم خود مشاهده نمود که تا چه حد اوقات حضرت شوقی ربّانی صرف پاسخ به نامه‌های گلایه آمیز بهائیان آمریکا می‌شود. لذا در برگشت به وطن نامه‌ای به نمایندگان کانونشن آمریکا و کانادا نوشت و از جانب حضرت شوقی افندی آنان را به اتحاد و رفع اختلاف دعوت کرد، سپس پیام مولای عزیز را به آنان ابلاغ نمود که به این مضمون می‌باشد:

امروز امر احتیاجش تنها به فداکاری و اخلاص که در قلب هر بهائی وجود دارد نیست بلکه علاقه و اتحاد آنان به یکدیگر کلید موفقیتشان در پیشرفت امر است. اگر این آئین نتواند دو قلب را بهم نزدیک کند چگونه می‌تواند در دنیا وحدت عالم انسانی را برقرار سازد.

نمایندگان آمریکا و کانادا پس از خواندن این پیام تصویب کردند که از آن به بعد نامه گلایه آمیز به حضرت شوقی افندی ننویسند. (۸)

از ۱۹۲۹ که دخترکیث تحصیلاتش به پایان رسیده بود، خانم کهلر مسافرت‌های تبلیغی خود را در دنیا شروع نمود و ابتدا به جزائر اتلانتیک بویژه باربادوس Barbados و سپس به کالیفرنیا، واشنگتن، اورگان Oregon، بریتیش کلمبیا British Columbia رفت و در همه جا به عنوان سخنران برای معرفی دیانت بهائی و مشاوره برای مسائل مربوط به تشکیلات و مؤسّسات امری، افراد را با نظم اداری این آئین آشنا می‌نمود. در سفر به خارج از آمریکا چون جزائر وست ایندیز West Indies، جزائر هاوایی، جاوه، کشور چین، استرالیا، نیوزیلند، سنگاپور، کشور برما و هندوستان، کیث در رادیو و مجامع سخنرانی نموده و با افراد مهمّ و استادان و اعضای دولتی ملاقات می‌کرد. در ژاپن در مدّت ۶ هفته اقامت در جلسات گوناگون سخنرانی نمود و در کالج زنان و در معبد بودائی‌ها و در کنفرانس تابستانه ایشان نطق‌های مؤثّری ایراد کرد. کیث تا آنجا که ممکن بود احبّای ژاپن را با اساس مؤسّسات و تشکیلات بهائی آشنا نمود. این ملاقات‌ها اثرات عمیقی در قلوب و افکار باقی می‌گذاشت که مورد تحسین و احترام مدعوین قرار می‌گرفت. در این سفرها اکثراً از او خواهش می‌شد که دوران اقامت خود را تمدید کند. (۹)

مأموریت به ایران

در می ۱۹۳۲ حضرت شوقی افندی تلگرافاً این خانم را که در سفر هندوستان بود برای مأموریت مهمّی در ایران به حیفا احضار کردند. کیث که در حدود ۵۵-۵۶ سال داشت و مسافرت‌های متمادّی، او را تا حدّی از پا انداخته بود و خود را ضعیف و ناتوان می‌دید از این دستور تعجّب کرد و نمی‌دانست که خدمات او در نظر حضرت شوقی ربّانی که او را همکار ذی‌قیمت و مشاور همیشگی و دوست بلند پایه و وفادار می‌دانستند، چه اندازه حائز اهمیت است. این مأموریت شامل دو وظیفه بود: یکی برای برداشتن "تحریم ورود نشریات و کتب بهائی و انتشار آن در ایران" و جلوگیری از آزار و تزییقات وارده به جامعه بهائی ایران. وظیفه دیگر خانم کهلر این بود که بهائیان را به امور اداری مؤسّسات و تشکیلات بهائی آشنا سازد. (۱۰)

پادشاه ایران، رضا شاه پهلوی، در دوران اوّلیه سلطنت خود (۱۹۲۵-۱۹۳۰) تغییرات چشمگیری در اوضاع اجتماعی، تعلیمی و تربیتی و مواضع قانونی در ایران داده بود و بهائیان از این نوآوری‌ها و پیشرفت‌هایی که برای رهائی کشور از جهالت و عقب افتادگی اعمال می‌گردید مشعوف شده و این امید را داشتند که در موقعیت اجتماعی آنان نیز تغییراتی داده شود. به تشویق

حضرت شوقی ربّانی بهائیان از دولت اجازه چاپ و نشر کتب بهائی را درخواست نمودند ولی با سخت گیری و عدم موافقت دولت وقت روبرو شدند. در این اوقات آزار و اذیت، توقیف و دستگیری بهائیان به بهانه‌های گوناگون هنوز ادامه داشت. حضرت شوقی ربّانی خانم کهلر را که بانویی متشخص و دانشمند و ناطقی متبحر و فردی شجاع و متهور بود انتخاب فرمودند که به ملاقات شاه ایران برود و از ایشان آزادی بهائیان را درخواست کند. در دوران اقامت کیث در حیف، حضرت ولیّ امرالله شخصاً برنامه تدریس دوره فشرده‌ای را درباره اسلام برای خانم کهلر ترتیب دادند. کیث با هوش و فراستی که داشت دروس را به خوبی فرا گرفت و موجب تحسین آموزگار خود حضرت ورقه علیا گردید.

کیث به عنوان نماینده محفل روحانی ملّی آمریکا و کانادا

برای اولین بار بود که مؤسسه رسمی بهائی غیر ایرانی عرض دادخواهی برای بهائیان ایران از پادشاه کشوری می‌نمود. محفل روحانی ملّی آمریکا به تشویق حضرت ولیّ امرالله در ۱۹۲۷ درخواست نامه‌ای به پادشاه ایران فرستاد که در طی آن از رفتارهای بیرحمانه و شقاوت آمیز نسبت به هموطنان بهائیشان جلوگیری شود. رونوشت این اعتراض نامه (دادخواهی) برای چاپ به روزنامه‌های آمریکا و کانادا نیز داده شد. اعتراض نامه دیگری در همین زمینه به رهبران دینی ایران ارسال و رونوشت آن به افراد با نفوذ ایران نیز فرستاده شد.

در ۱۲ ژانویه ۱۹۳۲ محفل ملّی آمریکا و کانادا درخواست نامه دیگری به شاه و نخست وزیر وقت فرستاد که به موجب آن تقاضای اجازه ورود و نیز نشر نشریات و کتب بهائی در ایران شده بود. چون به این عرض حال ترتیب اثر داده نشد، در ۱۰ جون همان سال محفل ملّی آمریکا و کانادا به دستور حضرت شوقی ربّانی نماینده خود خانم کیث رانسوم-کهلر را در نامه‌ای به شاه ایران معرفی می‌کند. مضمون نامه از این قرار است:

خانم کیث رانسوم-کهلر، یکی از اعضای جمعیت بهائیان آمریکا و از دانشمندان برجسته در تاریخ و موازین دیانت بهائی با اجازه اعلیحضرت می‌تواند درباره دادخواهی ۱۲ ژانویه ۱۹۳۲ به تفصیل اطلاعات لازم را در اختیار گذارد. ضمناً در نامه خود مراتب تحسین و تمجید جامعه بهائی آمریکا و کانادا را از اقدامات و تحولات نوسازی که آن رهبر بزرگ در ایران معمول داشته‌اند تقدیم کرده‌اند و ادامه می‌دهد که نماینده این محفل اهمیت روابط روحانی بهائیان دو کشور را

تشریح و اثراتی را که تعالیم بهاءالله در شناسائی پیامبر اسلام و از بین بردن سوءتفاهم ناشی از تعصبات دارد تأکید می‌نماید. توجیه اصول اخلاقی و وظائف بهائیان در اطاعت از حکومت و وفاداری به سلطنت و اجتناب از هرگونه فتنه و آشوب که با خدمت به عالم انسانی مغایرت دارد نیز از مواضعی می‌باشد که این نماینده مشتاق است با آن رهبر بزرگ در میان گذارد. تقدیم عرض حال توسط نماینده مخصوص به حضور اعلیحضرت نمودار نگرانی و ناراحتی شدید بهائیان آمریکا و کانادا است که با تحریم ورود نشریات و کتب بهائی چاپ آمریکا به ایران، راه تماس واقعی با همکیشان ایرانی مسدود شده است.

ملاقات کیث با وزیر در بار آقای تیمور تاش

کیث رانسوم-کهلر در راپورت ۲۰ آگست ۱۹۳۲ به محفل ملی آمریکا درباره ملاقات خود با وزیر دربار، تیمور تاش، می‌نویسد:

در تاریخ ۱۵ آگست آقای تیمور تاش، وزیر دربار را ملاقات کردم و ایشان به من اطمینان دادند که نشریات و کتب بهائی بدون هیچ مانعی می‌تواند وارد ایران شده و در ایران توزیع شود. محفل ملی از منابع دیگر نیز درباره این مصاحبه آگاه شد که جناب وزیر دربار با احترام و مهربانی نماینده محفل روحانی ملی آمریکا و کانادا را پذیرفته و به کیث گفته است برای موضوع ورود نشریات بهائی به ایران احتیاجی به درخواست ملاقات با شاهنشاه نیست. تیمور تاش اضافه می‌کند که نامه قبلی محفل آمریکا به دست ایشان رسیده و به درخواست آنان رسیدگی شده است لذا لزومی به عرض حال کتبی نیست. وزیر اضافه می‌کند: من قول می‌دهم که منع ورود کتب بهائی به ایران لغو شود. سپس خانم کهلر می‌پرسد که آیا می‌تواند این خبر را به محفل آمریکا بدهد؟ وزیر به او اطمینان می‌دهد که این کار عملی خواهد شد و به عقیده او این پرونده بسته شده است. کهلر مجدداً می‌پرسد که آیا می‌تواند ترتیب فرستادن کتاب‌هایش را از آمریکا به ایران بدهد؟ وزیر در جواب می‌گوید که مانعی برای این کار نمی‌بیند. (۱۱)

در ۲۰ آگست ۱۹۳۲ تلگراف زیر را محفل ملی آمریکا و کانادا دریافت می‌کند:

مأموریت با موفقیت انجام گردید امضاء کیث. (۱۲)

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۲ محفل ملی آمریکا و کانادا مسرور از سرعت انجام مأموریت کیث،

تلگراف زیر را به این مضمون به وزیر دربار آقای تیمور تاش مخابره می‌کند:

تشکرات صمیمانه بهائیان آمریکا را برای لغو دستور تحریم ورود و نشر کتب و نشریات بهائی به ایران تقدیم می‌دارد. این اقدام شرافتمندانه دولت شاهنشاهی ایران در بهائیان آمریکا و کانادا که احساس نزدیکی ویژه‌ای به ایران که موطن بهاءالله است دارند، تأثیر عمیقی گذاشته است. به آن مقام محترم اطمینان می‌دهد که بهائیان آمریکا مقام اعلیحضرت رضاشاه را گرامی داشته و آرزومند همکاری برای پیشرفت و ترقی ایران بوده و امید داریم که آوازه شهرت و حیثیت آن سرزمین بزودی در دنیا بلند شود. (۱۳)

این پیغام در ۲۱ اکتبر ۱۹۳۲ برای سفیر ایران در واشنگتن و نیز همزمان بیانیه‌ای به جراید آمریکا فرستاده شد به این مضمون که وزیر دربار شاهنشاهی ایران به خانم کیث رانسوم-کهلر اطمینان داده است که فرمان تحریم ورود نشریات بهائی به ایران بزودی لغو خواهد شد.

تجدید درخواست

در نامه‌ای که کیث به تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۳۳ به محفل روحانی ملی آمریکا فرستاد گزارش می‌دهد که دستور یا قولی که وزیر دربار سابق درباره لغو قانون تحریم ورود نشریات بهائی به داخل کشور داده بود اجرا نشده و کتاب‌هایی که برای او از بیروت به ایران فرستاده بودند در گمرک ضبط و مصادره شده است. (باید به خاطر داشت که در این زمان تیمور تاش وزیر دربار و با قدرت ترین فرد ایران بعد از رضاه شاه از کار برکنار شده بود). لذا کیث مجدداً عرض حال دیگری به وزیر جدید دربار فرستاده و از جانب بهائیان آمریکا درخواست بررسی به وضع بهائیان را نمود. در نامه‌اش به وزیر می‌نویسد که در تبریز، پلیس جلساتی که بهائیان برای ملاقات با او ترتیب داده بودند تعطیل کرد و حاکم شهر حاضر به ملاقات با او نشد. چون تغییراتی در اوضاع سیاسی ایران و وزارت‌خانه‌ها داده شده بود لذا کیث وقت را تلف نکرده و فوری برای ملاقات منشی وزارت خارجه که امور اتباع خارجی بویژه آمریکائی‌ها را در اختیار داشت، اقدام کرد و نتیجه ملاقات را برای محفل روحانی ملی آمریکا فرستاد که خلاصه آن از این قرار است:

در ملاقات با منشی وزارت، آقای شایسته به کیث می‌گوید که اوضاع و موقعیت کشوری در زمان حاضر برای ورود کتب و نشر آثار بهائی مساعد نمی‌باشد و این دلائل را ارائه می‌کند که چون هر دیانتی پس از اسلام در ایران غیرقانونی است و کتب و نشریات آن نیز اجازه ورود و نشر در آن کشور را ندارد. بنا بر قانون اساسی ورود نشریات مخالف اسلام ممنوع است. در چنین موقعیت

سیاسی و اجتماعی انتشار کتب بهائی باعث بلوا و آشوب شده و ممکن است خطرات عظیمه‌ای برای بهائیان ببار آورد. (۱۴)

کیث رونوشت این ملاقات را در نامه‌ای به تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۳۳ برای شاه می‌فرستد و در آن این فرد شجاع اضافه کرده که ناچار است در گزارش خود به محفل ملی آمریکا بنویسد که با این که در قانون اساسی ایران که او شخصاً تحقیق و مطالعه نموده هیچ اشاره‌ای به ادیانی که بعد از اسلام آمده، نشده است. و سپس اضافه می‌کند که هر فردی که علاقمند به ایمان به دیانت بهائی است باید حَقَّانیت حضرت محمد را قبول کرده و قرآن را وحی الهی بداند لذا مستثنی نمودن آنان از شهروندان دیگر به گناه مخالفت و دشمنی به اسلام نکته‌ای است که درک آن بسیار مشکل است. در انتهای عرض حال می‌نویسد در انتظار اقدام اعلیحضرت هستم تا نتیجه مذاکراتم را با منشی وزارت خارجه برای دنیای بهائی بفرستم و ابدأ نمی‌خواهم که برای بار دوم نظر شاه ایران را درست متوجه نشده باشم. این درخواست نامه به شاه نیز بدون جواب ماند. (۱۵)

محفل روحانی ملی آمریکا ناچار شد که به روزنامه‌های آمریکا اطلاع دهد که رفع تحریم ورود نشریات بهائی در ایران صورت عمل بخود نگرفته است. مجدداً در ۲۷ مارچ ۱۹۳۳ کیث درخواست نامه دیگری از جانب محفل روحانی ملی آمریکا و کانادا برای شاه فرستاد که مضمون قسمتی از آن بدین قرار است:

برحسب اخباری که به دست ما رسیده وعده اجازه ورود کتب و نشریات بهائی که وزیر دربار از جانب اعلیحضرت همایونی به بهائیان داده بود، اکنون لغو شده است. محفل ملی آمریکا و کانادا خلف این وعده را موافق میل و رضای اعلیحضرت نمی‌دانند، بویژه که این محفل گزارش اقدامات اخیر شاهنشاه برای آزادی ادیان و باز کردن درها برای ارتباط با جوامع بین‌المللی که مرسوم دنیای متمدن است را به اکثر روزنامه‌های آمریکا و کانادا فرستاده و از توجه اعلیحضرت به درخواست بهائیان ایران اظهار قدردانی نموده‌اند. فرستادن این خبر به جراید آمریکا برای بهائیان آمریکا که با ایمان به دیانت بهائی به کشور ایران علاقمند هستند بسیار مهم بود. نه تنها بهائیان آمریکا بلکه بهائیان دنیا با احترام و ستایش به عظمت تاریخی آن کشور نگریسته و اطمینان دارند که آینده‌ای با شکوه و نفوذی جهانی در انتظار آن سرزمین است. حال ناچاریم به نشریات آمریکائی اطلاع دهیم که خبری که با نهایت صداقت و اطمینان درباره آزاد شدن ورود نشریات

بهائی به ایران داده بودیم متأسفانه باید نفی کنیم. جراید آمریکا دارای نفوذ و قدرت زیاد هستند و در رابطه با آنها همواره سعی شده که تنها موضوعی را که به صحت آن صد در صد اعتماد باشد با آنان در میان گذاریم. آنها می‌دانند که محفل ملی آمریکا با اکثر کشورهای که دیانت بهائی در آن مستقر شده تماس داشته و بدین وسیله یکی از منابع موثق اخبار است و به تمسک و شهرت پیروان بهاءالله به صداقت و راستی آگاهند.

خانم کیث رانسوم-کهلر نماینده این محفل که تنها برای عرض دادخواهی به حضور اعلیحضرت همایونی به ایران سفر کرده است مدت زیادی است که در انتظار جوابی از آن رهبر بزرگ می‌باشد. (۱۶)

کیث در ۳ آپریل نیز نامه دیگری به شاه فرستاد که در آن راپورت مسافرت خود را به ایران و ملاقاتی که با وزیر دربار در ۲۰ اگست ۱۹۳۲ داشته به وضوح تشریح نموده است.

وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به نامه سرگشاده‌ای که کیث در تاریخ ۲۸ آپریل ۱۹۳۳ به وزراء و وکلای مجلس فرستاده بود می‌نویسد به این مضمون:

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رساند که عموم افراد این کشور مسلمان یا پیروان ادیان و نژادهای دیگر که در تحت حمایت و در زیر سایه اعلیحضرت زندگانی می‌کنند مشمول قوانین این کشور هستند. ولی نشریات تازه‌ای که برخلاف دین رسمی کشور و یا سیاست آن است اجازه ورود به کشور را ندارد. (۱۷)

در ۸ جون ۱۹۳۳ کیث در نامه‌ای به شاه ایران مجدداً وضع اسفناک بهائیان ایران را بدینگونه توضیح داد که مضمون آن این است:

درست یکسال پیش در همین ماه، پس از مسافرتی به دور دنیا به نمایندگی محفل ملی آمریکا و کانادا به ایران وارد شدم تا لغو قانون تحریم ورود کتب و نشریات بهائی به ایران را از اعلیحضرت درخواست نمایم. این عرض حال به شاهنشاهی تقدیم شد که با اراده‌ای محکم و قدرتی شگفت‌انگیز، ایران، سرزمین مقدس ما را پیشرو ترقی و تجدد نموده است. با اقداماتی که آن رهبر کبیر برای نوآوری و آزادی شهروندان آن کشور نموده است، درخواست محفل روحانی ملی آمریکا برای رهائی بهائیان از آزار و اذیت و رفع تزییقات فراوان بویژه منع ورود و نشر کتب و آثار بهائی در ایران چندان تقاضای غیرقابل عملی نبود. بدون گمان چنین دادخواهی به حکومت‌های پیش از دولت شاهنشاهی کاری بیهوده و خواهشی بی‌ثمر به نظر می‌رسید چه که در آن زمان عدل و

انصاف در مورد بهائیان معنی حقیقی نداشت... سپس اعلیحضرت را متوجه می‌کند که بهائیان در ایران اقلیت ضعیف و ناتوانی نیستند بلکه یکی از بزرگترین اقلیت‌های مذهبی می‌باشند. و بنا بر گزارش اتحادیه حقوق بشر بهائیان چون بر حسب اصول و تعالیم دیانت خود دارای رفتاری مصالحه آمیز و دوستانه هستند، با نهایت صبر و سکون هرگونه مشقت و سختی را که توسط اولیای امور و دولت بر آنها وارد می‌آید تحمل می‌کنند، لذا سزاوار نهایت اعتماد هستند و وجودشان برای دولت باعث پشت گرمی و اعتبار است.

در تمام عرایضم به اعلیحضرت همایونی، از نخستین دیدار با وزیر دربار تا به امروز تنها یک مقصد داشته‌ام و آن این است که بدانم که آیا پاسخ درخواست‌های من نمودار منویات آن پادشاه بزرگ بوده است؟ (۱۸)

کیث در ۳ جولای ۱۹۳۳ نامه سرگشاده‌ای به تمام وزراء و اعضای مجلس شورای ملی ایران به این مضمون فرستاد:

افتخار دارد که با تقدیم برخی از آثار دیانت بهائی ثابت نماید که تا چه حدّ این دیانت در پیشبرد دیانت اسلام در کشورهای که با این دیانت نظر خوب و دوستانه ندارند کمک کرده است ولی در ایران این ادیان از آزادی برخوردار و کتب و نشریات مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان که با اسلام دشمنی دارند اجازه انتشار دارد. پس چرا آثار بهائی که در آن اسلام را با احترام یاد می‌کند و مردم را به قبول آن تشویق می‌نماید از این امتیاز محروم است؟ در اداره پست و تلگراف و در گمرک‌های ایران هزارها جلد از کتب بهائی مصادره و توقیف شده است. یک نظر کوتاه به هریک از این آثار ثابت می‌کند که بهاءالله حقیقت اسلام را اقرار و اطاعت و وفاداری به حکومت را یکی از اصول مهمّ دیانت بهائی می‌داند.

در همان روز باز این نماینده متهور و مُصِرّ احساس کرد که باید دوباره عرض حالی به شاه بفرستد به این مضمون:

اخبار سوزاندن عکس عبدالبهاء که در نزد بهائیان مقام مقدّسی را دارند در کرمانشاه، به وحشت و خوف هرچه بیشتر من افزوده است. اطمینان دارم که این اقدام توهین آمیز بدون اطلاع و اجازه شاهنشاه انجام گرفته است. چون این اقدام با اساس اصل احترام به هموعان و حمایت شهروندان که توسط پادشاه برای پیشبرد کشور ایران معمول گردیده مغایرت دارد. با اطمینان به این که این گونه بی‌احترامی‌ها و تجاوز به حقوق بهائیان بدون اطلاع شاهنشاه انجام گرفته این عریضه

را حضورتان تقدیم می‌کنم تا توجّه اعلیحضرت را به این عمل نامعقول و ناپسند که به دستور افرادی انجام شده که کوچکترین احساس مسئولیت وجدانی ندارند جلب نماید. در این که برای زندگی هر فردی عطیه‌ای با ارزش‌تر و مقدّس‌تر از دیانتش وجود ندارد جای تردید نیست. هزاران هزار بهائی، دارائی و جان خود را بدون تأمل و درنگ در راه عقیده خود فدا کرده‌اند و اکنون نور ایمان آن فداکاری‌ها هر گوشه و کنار جهان را روشن نموده است. هنوز نیز جامعه بهائی در هر موقعیت و هر جا حاضر به همه نوع فداکاری حتّی دادن جان برای عقیده خود هست. ولی توهین و بی‌احترامی به حضرت عبدالبهاء را که مثل آعلای یک انسان کامل بودند را تحمّل نکرده و دنیای بهائی با تمام قوا متحد شده و از این عمل منفور و ناشایسته رسماً شکایت خواهد کرد. لذا استدعای خاضعانه از شاهنشاه دارد که دستور دهند به آزار و اذیت بهائیان در ایران خاتمه داده شود و از ادامه تزییقات و مشکلاتی که حکومت پیشین برای بهائیان ایجاد کرده‌اند جلوگیری نمایند تا دنیا به این سرزمین مقدّس به نظر خواری و تحقیر ننگرد. (۱۹)

در اوّل جون ۱۹۳۳ پیش از کانونشن، محفل ملی آمریکا و کانادا متوجّه شد که بهبودی در وضع بهائیان داده نشده و مجدداً حمله و آزار بهائیان قوّت گرفته است. به راهنمایی حضرت شوقی ربّانی این گرفتاری‌ها برای نمایندگان کانونشن تشریح شد و تصویب گردید که هر اقدامی که محفل روحانی ملی در مورد رهائی بهائیان ایران از تزییقات و گرفتاری‌ها بگیرد، نمایندگان آن را پشتیبانی خواهند نمود. لذا در ۱۰ جولای ۱۹۳۳ محفل روحانی ملی آمریکا و کانادا نماینده‌ای برای سفارت ایران در واشنگتن فرستاد و بدین وسیله مستقیماً از جانب بهائیان آمریکا برای رهائی یاران ایران از ستم و آزار وارد مذاکره گردید. (۲۰)

کیث علیرغم کسالت و ناراحتی‌های جسمی که در ایران شدّت یافته بود ساکت نماند و به اقدامات خود ادامه داده و تصمیم داشت که از هر فرصتی استفاده کرده و از هیچ کوششی دریغ نرزد. آخرین درخواست نامه کیث به مقامات مسئول در طهران باز بدون جواب ماند و این خانم نتیجه را به محفل ملی آمریکا و کانادا در ۱۰ سپتامبر ۱۹۳۳ تلگرافاً گزارش داد. (۲۱)

در این زمان کیث متوجّه شد که هفت فقره درخواست‌نامه‌های متوالی که برای شاه فرستاده بود، از محوطه دربار و اطرافیان شاه خارج نشده و به دست اعلیحضرت نرسیده بود. مأیوس و ناامید که پس از ماه‌ها مساعی خستگی‌ناپذیر، کوشش‌های مستمرش برای رهائی بهائیان از قید

تضییقات گوناگون با مخالفت مسئولان امور در ایران مواجه گردیده و کوچکترین قدمی برای بهبودی وضع بهائیان ایران برداشته نشد.

کیث در جامعه بهائیان ایران

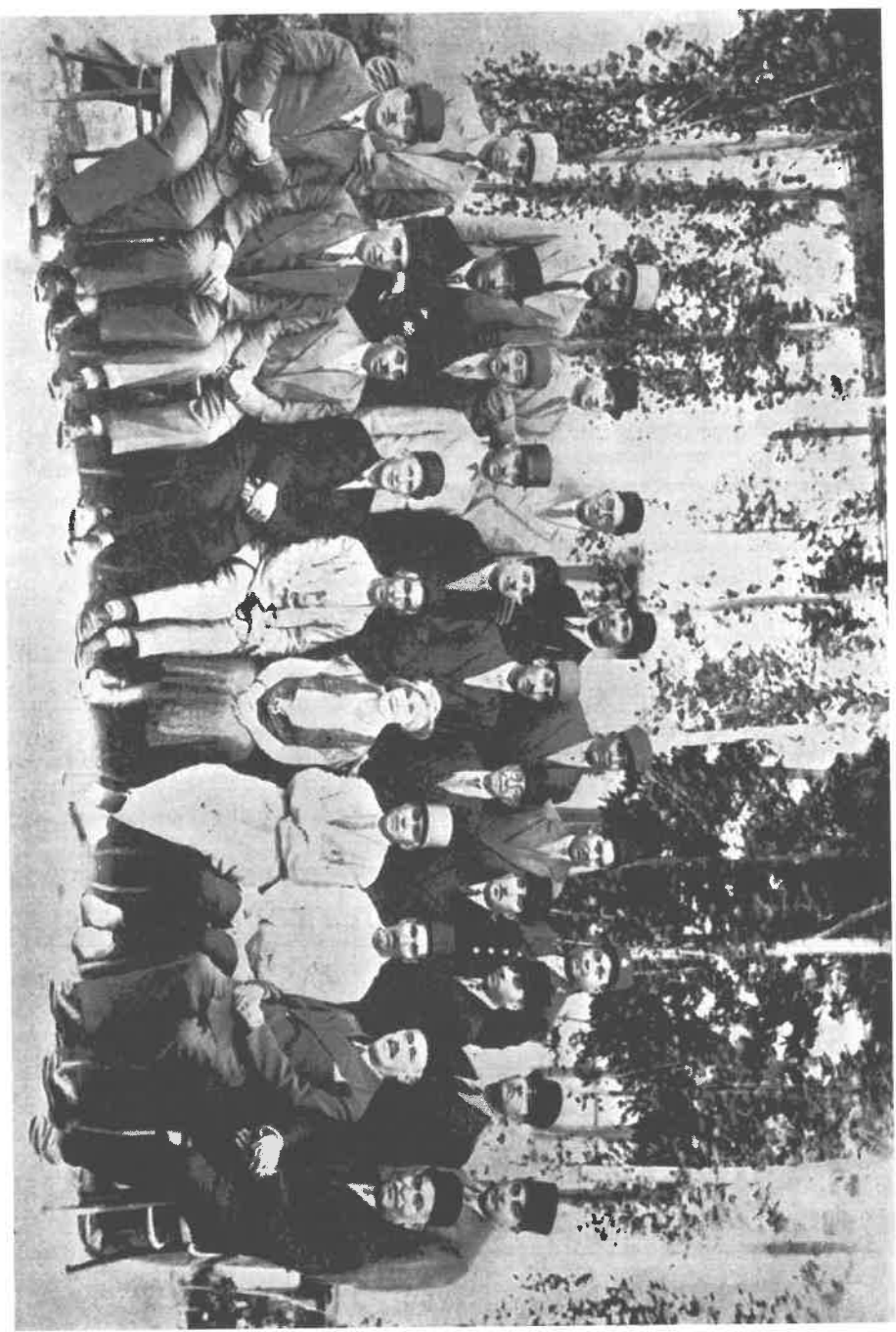
کیث رانسوم-کهلر در هنگام ورود به ایران حامل پیام پر محبت بهائیه خانم به فرد فرد احبّای ایران بود. متأسفانه چند هفته پس از ورودش در ۱۵ جولای ۱۹۳۲ حضرت ورقه علیا صعود نمودند و شنیدن پیغام مملوّ از مهر و پر شفقت حضرتش تسلی بخش قلوب متألّم جامعه بهائی در فقدان آن ورقه مبارکه گردید.

در ایران کیث به اکثر نقاط مسافرت کرد و در همه جا با استقبال و شور و اشتیاق بهائیان روبرو می شد. در طهران اعضای انجمن ویژه همراه با صدها بهائی در باغی در ۶-۷ کیلومتری شهر مقدمش را گرامی داشته و همراهش به طهران حرکت کردند. استقبال از خانم رانسوم-کهلر مانند استقبالی بود که از ملکه کشوری می کنند و تا آن روز در طهران چنین مراسمی برای میهمانی غربی دیده نشده بود.

در نوامبر ۱۹۳۲ محفل روحانی حيفا و فلسطین نامه‌ای به دنیای بهائی فرستادند به این مضمون:

کیث رانسوم-کهلر خانم با وفا و فعّال بهائی با حضورش شوق و شوری در ایران ایجاد کرده است. مجالس گوناگون در اکثر نقاط ایران برای او منعقد و زنان و مردان بهائی به دیدار این مبلغه بین المللی نائل و از شنیدن سخنانش استفاده فراوان نموده اند. هیجان و شور احبّاء که در اثر دیدار و ملاقات این مسافر غربی ایجاد شده باعث نگرانی رؤسا و پلیس تبریز شده و تعطیل محافل بهائی برای این خانم را اعلان کرده و از ایشان خواستند که از مسافرت به میلان خودداری کنند. ولی محفل روحانی با فرستادن نماینده به حکومت اطمینان داده است که بهائیان کوچکترین ناراحتی و شورش برای هموطنان خود ایجاد نخواهند کرد. سپس ادامه می دهند که سرور و شعف احبّاء از این بود که می دیدند بشارات حضرت عبدالبهاء به ایرانیان "که بزودی خواهران و برادران روحانی شما برای پیشرفت امر و یاری شما به ایران خواهند آمد" تحقّق پذیرفته است.

در سیسان چون جاده مناسبی برای رسیدن به آنجا وجود نداشت بهائیان با دست خود راهی به درازای ۸ کیلومتر ساختند و با لباس های تازه و تمیز به پیشواز این میهمان عالیقدر رفتند.



کیت رانسوم - کهلر در بین احباب طهران



کیت رانسوم - کهلر در بین شاگردان خود در طهران

در زنجان کیث به زیارت مقبره جناب حجّت رفت و ایرانیان را به شگفت انداخت که چگونه این خانم بسیار زیبا و آراسته به بهترین البسه و جواهرات در مقابل این خاک زانوزد و های های گریست.

در مشهد ملاّی بزرگ شهر که حفاظت و نگاهداری مقبره حضرت رضا را به عهده داشت این خانم را به خانه اش دعوت نمود و مؤسّسات وابسته به مقبره را به او نشان داد. احبّای ساری و ماهروزک دوروز در خارج از شهر چادر زده و در زیر باران شدید منتظر ماندند که به میهمان عزیز خود خوش آمد گویند.

در تبریز و چند شهر دیگر مراسم استقبال و خوش آمد احبّاء از این خانم طوری بود که باعث ترس حکومت شد و ورود این خانم را به بعضی از شهرها ممنوع کردند. در مسافرت به کاشان ۲۵۰ نفر از بهائیان برای استقبال به ۳۵ کیومتری شهر رفته و کیث را پیاده تا شهر همراهی کردند.

در این سفرها کیث با افراد مهمّ شهر ملاقات می کرد مانند مجتهد (ملاّی بزرگ) در مشهد، رئیس پلیس، شهردار شهر، مدیر اداره بهداشت و بازرگانی و رئیس پست و تلگراف.

سفرهای متمادی در محیط نامناسب ایران جسم ضعیف کیث را ناتوان تر کرده بود به نحوی که از رفتن به اصفهان منصرف شد. ولی شوق احبّاء برای دیدار این دوست غربی سبب شد که کیث ناراحتی جسمانی را فراموش نماید و به سوی اصفهان روانه گردد. بهائیان شهر و اطراف آن در چند کیلومتری شهر به استقبال آمده بودند و او را با چنان هلهله و شادی وارد شهر کردند که کیث خستگی خود را فراموش کرد. احبّاء با صدای بلند تکبیر الله ابهی می گفتند و دسته های گل تقدیمش می کردند. این احساسات تأثیر عمیقی در روح این خانم نمود.

متأسّفانه در اصفهان کیث بیمار و پس از چند روزی بیماری او را آبله تشخیص دادند. دوران بیماری این خانم کوتاه و در ۲۳ اکتبر ۱۹۳۳ در سنّ ۵۷ سالگی روحش به ملکوت ابهی پرواز نمود و دنیای بهائی را با از دست دادن یکی از ستاره های درخشان دوره ولایت عزادار نمود. به دستور حضرت ولیّ امرالله جسد کیث در جوار مرقد سلطان الشهداء و محبوب الشهداء به خاک سپرده شد و نمایندگان بهائی از جانب حضرت شوقی ربّانی به زیارت مرقد کیث رفتند و سال بعد نیز دستور دادند که از جانب ایشان مرقد کیث را زیارت کنند. (۲۲)

حضرت ولیّ امرالله در مورد کیث رانسوم-کهلر فرموده اند:

کیث همراه با می مکسول May Maxwell و مارثا روت Martha Root "سه قهرمان دور رسولی بهاءالله هستند" که ما برای همیشه به آنها مدیونیم و نسل‌های آینده به اهمیت آنان آگاه خواهند شد. (۲۳)

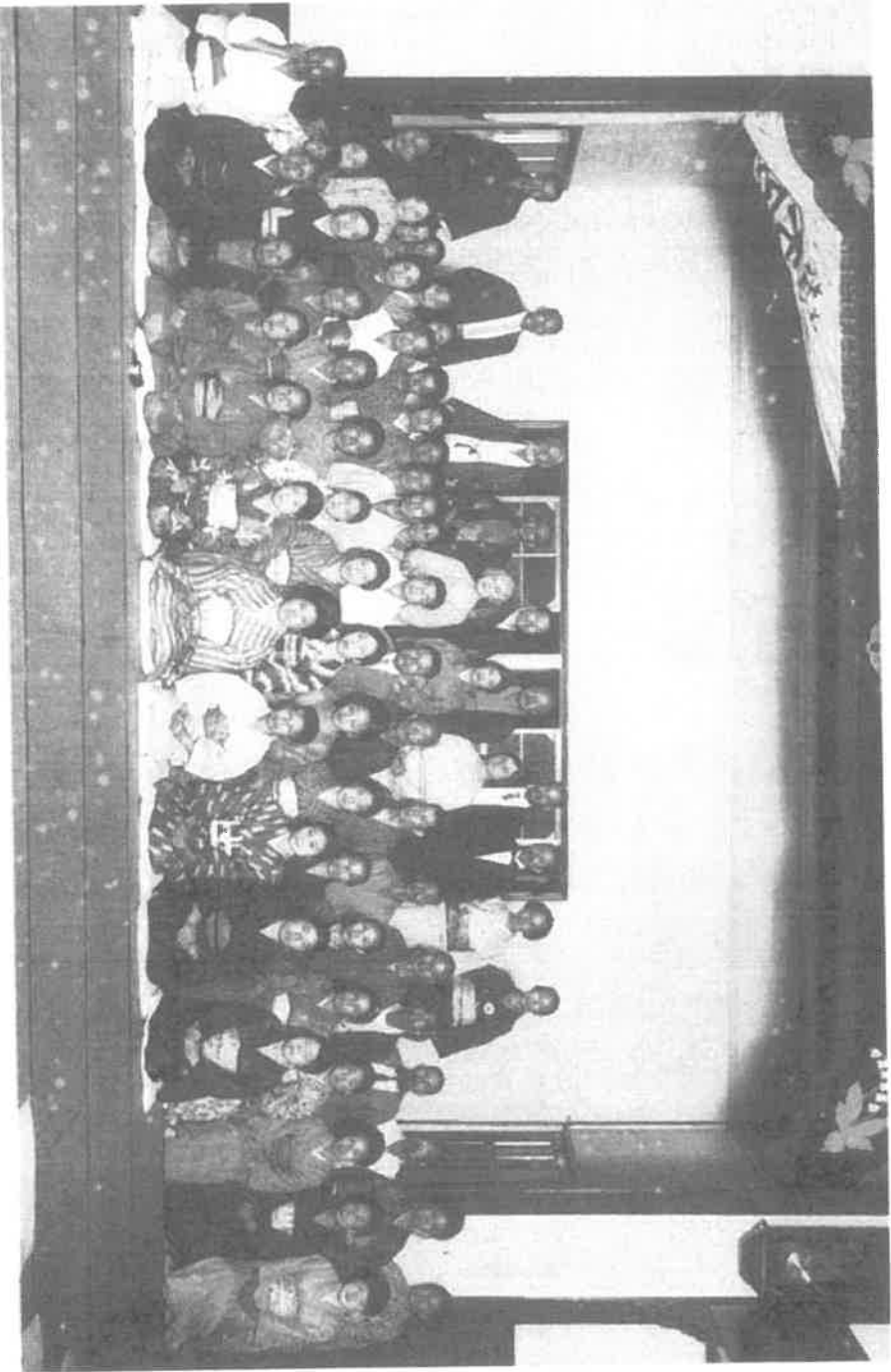
جامعه بابی- بهائی از آغاز تا به امروز در محلّ اشراق خود معرض آزار و اذیت قرار گرفته و با انواع تضییقات و محرومیت‌ها روبرو بوده است.

در جریان این مشکلات و سختی‌ها بویژه در دوران اولیه امر بابی- بهائی شخصیت‌هایی چون سفیر کشور جماهیر شوروی یا بعضی از کارمندان سفارت‌های خارجی مانند انگلستان و فرانسه یا اطیش ناظر بی‌عدالتی و رفتار بی‌رحمانه دولتیان، علماء و ملت ایران بودند و مشاهده اعمال ظالمانه و غیرانسانی مسلمانان بر بهائیان در برخی موارد برای این افراد غیرقابل تحمل بود.

در ۱۹۲۷ برای اولین بار مؤسسه رسمی بهائی کشور پیشرفته و با قدرتی چون آمریکا رسماً برای رفع تضییقات و محرومیت و آزاری که بر بهائیان ایران وارد می‌شد دست به دادخواهی زد.

برای اولین بار عرض حال آن محفل توسط نماینده‌ای به شاه ایران تقدیم شد و فردی که برای دادخواهی به ایران رفته بود یک خانم غربی بود که به فرموده حضرت شوقی ربّانی با امتیازی کامل و اراده‌ای خلل‌ناپذیر و وفاداری و نهایت ثبوت و رسوخ با قوای ظلمت مصادف شد و مبارزه کرد و سپس می‌فرمایند خسران عظیم ایران سربلندی عظیم آمریکا گردید.

صعود کیث رانسوم-کهلر خاتمه مأموریتی بود که یادآوری آن یکی از تلخ‌ترین و ناگوارترین وقایع تاریخ اخیر دیانت بهائی را در خاطره‌ها زنده می‌کند. تلاش و کوشش این خانم برای آزادی ورود و نیز انتشار کتب و نشریات بهائی به ایران و رهائی بهائیان آن سرزمین از قید آزار و سختی‌های متوالی "مانند موجی بود که بارها با قدرت و فشار به صخره‌های مخالفت و نادرستی برخورد می‌کرد و به دریا باز می‌گشت درحالی که موانع همانگونه برجای باقی می‌ماندند". (۲۴)



کیت در ژاپن در معبد بودائی ها



کیت رانسوم- کھلر

۱- فروغ ارباب، اختران تابان، مؤسسه چاپ و انتشارات مرآت، دهلی نو، هندوستان ۱۹۹۹، ج

۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.

2- Ruhe-Schoen, Janet, Ransom-Kehler, Keith Bean (1876-1933)

<http://w.w.w.bahai-encyclopedia-project.org>: 20.03.2012, pp. 1-2.

3-Ruhe-Schoen Janet, pp. 2-3.

4-Ruhe-Schoen, Janet, p. 3.

۵- فروغ ارباب، اختران تابان، ص ۳۰۲.

6- The Baha'i World Vol II, 1926-1928, Baha'i Publishing Trust,

Wilmette, Illinois, 1980, pp.129-140.

7- The Baha'i World Vol II, pp. 400-407.

8- Ruhe-Schoen, Janet, p. 3 and Harper, Barron D., Lights of

Fortitude, George Ronald, 2007, pp. 88-89.

9- Ruhe-Schoen, Janet, pp. 3-4 and Harper, pp. 91-92.

10- The Baha'i World 1932-1934, Baha'i Publishing Trust,

Wilmette, Illinois, 1980, Vol V, p. 389.

11- The Baha'i World, Vol V, pp. 392-393 and Harper, pp. 91-92.

12- The Baha'i World, Vol V, p. 391.

13- The Baha'i World, Vol V, p. 391.

14- The Baha'i World, Vol V, p. 402 and Harper, p. 91.

15- The Baha'i World, Vol V, p. 393 and Harper, pp. 91-92.

16- The Baha'i World, Vol V, p. 393.

17- The Baha'i World, Vol V, p. 396.

18- The Baha'i World, Vol V, pp. 394-395.

19- The Baha'i World, Vol V, pp. 395-396.

20- The Baha'i World, Vol V, p. 397.

21- The Baha'i World, Vol V, p. 398.

22- Harper, p. 95.

23- Ruhe-Schoen, Janet, p. 6.

24- The Baha'i World, Vol V, p. 389.